«وطن امروز» از اهمیت حضور ایران در نشست شانگهای در بحبوحه تلاش غرب برای تشدید فشار اقتصادی گزارش می‌دهد

گذرگاه رفع تحریم

گروه اقتصادی: حضور ایران در اجلاس سازمان همکاری شانگهای همزمان با تهدید به تحریم‌های جدید علیه کشورمان اهمیت ویژه‌ای دارد. این سازمان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بلوک‌های منطقه‌ای اوراسیا، با هدف تقویت همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی میان کشورهای عضو، در سال ۱۹۹۶ پایه‌گذاری شد و در ۲ دهه اخیر به بالندگی رسیده است. از سوی دیگر با توجه به رشد تجارت ایران با کشورهای آسیای میانه، چین، روسیه و هند و کاهش وابستگی به بازار اروپا، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به سکوی پرتابی برای اقتصاد ایران در دوران تحریم تبدیل شود. بسیاری از کارشناسان معتقدند آینده اقتصاد جهانی در شرق رقم خواهد خورد و ایران نیز با تقویت روابط منطقه‌ای، در مسیر این تحول قرار گرفته است، بویژه که همکاری تجاری با ارزی متفاوت از دلار جزو سیاست‌های کشورهای عضو سازمان بریکس و سازمان همکاری شانگهای بوده که می‌تواند تحریم‌های غرب را بی‌اثر کند.

■ تاریخچه شکل‌گیری سازمان شانگهای

این سازمان ابتدا با عنوان «شانگهای ۵» با مشارکت چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان شکل گرفت و پس از پیوستن ازبکستان، به نام کنونی تغییر یافت. دفتر مرکزی آن در چین قرار دارد و زبان‌های رسمی آن روسی و چینی هستند؛ نشانه‌ای از محوریت ۲ قدرت بزرگ منطقه‌ای در ساختار تصمیم‌گیری سازمان.

ایران از سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری شانگهای پیوست و پس از رفع موانع حقوقی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، در اجلاس سران سال ۱۴۰۰ در تاجیکستان، به عنوان نهمین عضو دائم سازمان پذیرفته شد. این عضویت در اجلاس سال بعد در سمرقند با امضای بیش از ۴۰ سند رسمی تثبیت شد و ایران به طور کامل به جمع اعضای اصلی این سازمان پیوست.

اعضای دائم سازمان شامل روسیه، چین، هند، پاکستان، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان هستند. کشورهای افغانستان، مغولستان و بلاروس به عنوان ناظر و کشورهایی مانند ترکیه، آذربایجان و ارمنستان به عنوان شرکای گفت‌وگو در تعامل با سازمان قرار دارند.

اهداف اصلی سازمان شامل توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی، تقویت اعتماد منطقه‌ای، حفظ ثبات و امنیت، مبارزه با تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر و ایجاد موازنه در برابر نفوذ ناتو و آمریکا است. این سازمان با در اختیار داشتن حدود ۲۰ درصد جمعیت جهان، ۴ قدرت هسته‌ای، ۲ عضو دائم شورای امنیت و بیش از یک‌پنجم تولید ناخالص جهانی، به یکی از بازیگران کلیدی در نظم نوین جهانی تبدیل شده است.

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نه‌تنها یک دستاورد دیپلماتیک، بلکه یک فرصت ایده‌آل راهبردی برای عبور از محدودیت‌های تحریمی و ورود به نظم اقتصادی جدید جهانی است. اگر زیرساخت‌های داخلی به‌درستی تقویت شود، این عضویت می‌تواند به نقطه عطفی در سیاست خارجی و اقتصادی ایران تبدیل شود.

■ فرصت‌های راهبردی برای ایران

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای در شرایطی صورت گرفت که کشور با تحریم‌های گسترده غرب مواجه بود. این عضویت نه‌تنها به ایران امکان حضور در معادلات اقتصادی خارج از چارچوب غرب را می‌دهد، بلکه در حوزه‌های انرژی، تجارت، ترانزیت و امنیت نیز فرصت‌های قابل توجهی فراهم کرده است. در واقع ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز و چهارمین کشور نفت‌خیز جهان، با عضویت در این سازمان به بازارهای پرمصرفی چون چین، هند و پاکستان دسترسی مستقیم پیدا کرده و همکاری‌های پتروشیمی نیز در این قالب قابل توسعه است.

همچنین بهره‌برداری از تسهیلات این سازمان در شرایطی که تحریم‌های غرب علیه ایران بهره‌مندی از وام صندوق‌ها و بانک‌های جهانی را محدود کرده، می‌تواند گام موثری برای توسعه اقتصادی باشد. همین‌طور توافقات تعرفه‌ای، زمینه‌ساز افزایش حجم مبادلات ایران با اعضای شانگهای شده است. هدف‌گذاری برای افزایش تجارت ایران با این کشورها به بیش از ۵۰ میلیارد دلار، با حذف ۸۷ درصد تعرفه‌ها، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این همکاری‌هاست. ایران در چهارراه ارتباطی شرق و غرب قرار دارد و به عنوان یکی از کریدورهای اصلی جاده جدید ابریشم، نقش کلیدی در ترانزیت کالا ایفا می‌کند. بانک جهانی نیز ایران را پرمنفعت‌ترین مسیر اقتصادی منطقه معرفی کرده است. سیدروح‌الله لطیفی، سخنگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت، با اشاره به همسویی سیاست‌های ایران و سازمان شانگهای، تأکید می‌کند: «این سازمان می‌تواند به ایران در زمینه دلارزدایی، توسعه حمل‌ونقل، گسترش تولید و تجارت کمک کند. با توجه به حضور قدرت‌های بزرگ مانند چین، روسیه و هند در این سازمان، نقش ایران در تأمین انرژی برای اعضای سازمان موثرتر شده و در مقابل امکان مقابله مشترک با تحریم‌ها بیشتر شده است. از این رو عضویت ایران در شانگهای نه‌تنها تحریم‌ها را بی‌اثر کرده، بلکه در دوران فشار حداکثری نیز رکوردهای صادراتی و ترانزیتی ثبت شده است».

■ چشم‌انداز همکاری‌های آینده

سازمان همکاری شانگهای در حال گذار از یک پلتفرم ژئواقتصادی است که می‌کوشد وابستگی به نهادهای غرب‌محور مانند IMF، WTO و دلار آمریکا را کاهش دهد. این روند، بویژه پس از تحریم‌های گسترده علیه روسیه و ایران، شتاب بیشتری گرفته است. ایران در این مسیر می‌تواند نقش یک «لنگر منطقه‌ای» را ایفا کند؛ کشوری با ظرفیت‌های ترانزیتی، انرژی و صنعتی که می‌تواند به همگرایی اقتصادی شرق کمک کند.

در این چارچوب، شانگهای نه صرفاً یک سازمان همکاری، بلکه یک آزمایشگاه برای شکل‌دهی به نظم اقتصادی غیرغربی است. ایران با حضور در این آزمایشگاه، نه‌تنها از مزایای اقتصادی بهره‌مند می‌شود، بلکه در تدوین قواعد جدید بازی نیز مشارکت خواهد داشت.

یکی از چالش‌های قبلی ایران در سازمان‌های بین‌المللی، فقدان زیرساخت‌های نهادی برای تبدیل شدن به یک بازیگر ساختاری بوده است. عضویت در شانگهای فرصتی است برای بازسازی این ظرفیت‌ها؛ از دیپلماسی اقتصادی هدفمند گرفته تا نوسازی نظام تعرفه‌ای و لجستیکی.

برای ایفای نقش مؤثر، ایران باید از یک عضو منفعل به یک کنشگر نهادی تبدیل شود؛ یعنی در تدوین دستورکارهای سازمان، طراحی سازوکارهای همکاری و حتی پیشنهاد ابتکارات منطقه‌ای مشارکت فعال داشته باشد. این امر مستلزم تقویت نهادهای داخلی، تربیت دیپلمات‌های اقتصادی و ایجاد پیوندهای پایدار با اتاق‌های بازرگانی و مراکز تصمیم‌گیری کشورهای عضو است.

در حالی که تمرکز اصلی بر انرژی و تجارت فیزیکی است، یکی از حوزه‌های کمتر دیده‌شده اما حیاتی، ظرفیت‌های همکاری فناورانه و دیجیتال میان اعضای شانگهای است. چین و هند به عنوان ۲ قدرت دیجیتال در حال رشد، می‌توانند شریکان کلیدی ایران در انتقال فناوری، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و حتی همکاری در حوزه هوش مصنوعی و بلاک‌چین باشند.

ایران با سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها می‌تواند از وابستگی به فناوری غربی بکاهد و در عین حال، به توسعه اقتصاد دانش‌بنیان داخلی سرعت بخشد. ایجاد «کریدورهای دیجیتال» میان تهران، دهلی، پکن و مسکو می‌تواند به شکل‌گیری یک اکوسیستم فناورانه مستقل از غرب کمک کند.

در ادامه می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین کارکردهای عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، ایجاد نوعی «امنیت اقتصادی نهادی» در برابر تحریم‌هاست. برخلاف همکاری‌های دوجانبه که در برابر فشارهای سیاسی آسیب‌پذیرند، همکاری‌های چندجانبه در قالب سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند سپری برای تداوم تجارت و سرمایه‌گذاری باشند.

ایجاد سازوکارهای مالی مستقل، مانند سیستم‌های پرداخت غیردلاری، بانک‌های توسعه منطقه‌ای و توافقات تعرفه‌ای چندجانبه، می‌تواند به ایران کمک کند تا در برابر تحریم‌های ثانویه مقاومت کند. این امر مستلزم آن است که ایران در طراحی این سازوکارها نقش فعال ایفا کند و صرفاً به استفاده از آنها بسنده نکند.

از طرف دیگر ایران می‌تواند با توسعه دیپلماسی داده‌محور، بویژه در حوزه‌های انرژی، ترانزیت، تجارت و امنیت، نقش تحلیلی خود را در سازمان شانگهای تقویت کند. ایجاد مراکز داده مشترک، پلتفرم‌های تحلیل ریسک منطقه‌ای و همکاری‌های آماری می‌تواند به ایران کمک کند تا در تصمیم‌سازی‌های سازمان نقش مرجع ایفا کند.

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، یک دستاورد دیپلماتیک مهم است. این عضویت باید به نقطه آغاز یک راهبرد منطقه‌ای تبدیل شود؛ راهبردی که ایران را از یک بازیگر تابع به یک معمار نظم اقتصادی شرق بدل کند. تحقق این هدف نیازمند بازتعریف نقش ایران در سازمان، تقویت زیرساخت‌های داخلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مغفول مانده در حوزه‌های مختلف است.

اقتصاد ایران آماده تغییر سیاست‌های ارزی است؟

تک‌نرخی شدن ارز؛ واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی

میان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت صمت درباره سیاست ارز تک‌نرخی اختلاف‌نظر وجود دارد

گروه اقتصادی: در نشست اخیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، ۳ نهاد کلیدی اقتصاد کشور یعنی وزارت اقتصاد، وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت، در برابر بانک مرکزی صف‌آرایی کردند. موضوع این نشست امکان‌پذیری تک‌نرخی شدن ارز در شرایط فعلی اقتصاد ایران بود.

صالح عسگری، نماینده بانک مرکزی در این نشست، با اشاره به ساختار صادرات و واردات کشور، استدلال کرد که عدم همگنی میان کالاهای صادراتی (عمدتاً مواد خام و نیمه‌خام) و وارداتی (کالاهای تمام‌شده و حساس به قیمت)، مانع اصلی تحقق ارز تک‌نرخی است. به گفته وی، بیش از ۷۰ درصد واردات کشور شامل کالاهای اساسی و مواد اولیه است که نوسان نرخ ارز می‌تواند به‌طور مستقیم بر قیمت تمام‌شده و تورم اثر بگذارد.

عسگری در ادامه طرح «امتیاز صادراتی» را به‌عنوان راه‌حل جایگزین معرفی کرد؛ مدلی که با مدیریت وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت، به صادرکنندگان امتیازهایی بر اساس ۱۱ مؤلفه اختصاص می‌دهد تا ارز از کالا تفکیک شود.

همچنین محمدعلی دهقان‌دهنوی، معاون وزیر صمت هشدار داد که تبدیل ابزارهای تجاری به ابزارهای ارزی، نه‌تنها کمکی به مدیریت بازار نمی‌کند، بلکه می‌تواند به انحراف در سیاست‌گذاری و آسیب به تولید منجر شود.

■ اختلاف دیدگاه‌ها؛ مانعی برای ثبات ارزی

این اختلاف نظرها در حالی است که بند «ن» قانون بودجه ۱۴۰۴، دولت را مکلف کرده با پیمان‌های پولی دوجانبه و مشوق‌های صادراتی، به ثبات نرخ ارز کمک کند. با وجود تصویب آیین‌نامه اجرایی این بند در هیات وزیران، مخالفت وزارت اقتصاد با طرح امتیاز صادراتی، آینده اجرای آن را با ابهام مواجه کرده است.

در شرایطی که اقتصاد ایران با تورم روبه‌رو است، اجرای سیاست تک‌نرخی شدن ارز با چالش‌های جدی همراه است؛ از یک‌سو، حذف نرخ‌های ترجیحی می‌تواند به افزایش قیمت کالاهای اساسی و تورم منجر شود و از سوی دیگر، حفظ چندنرخی بودن ارز، زمینه‌ساز رانت و بی‌ثباتی در بازار است.

در این میان، تک‌نرخی شدن ارز بدون پشتوانه کافی از ذخایر ارزی، نه‌تنها پایدار نخواهد بود، بلکه ممکن است منجر به تخلیه منابع ارزی بانک مرکزی و افزایش فشار بر بازار شود. تجربه‌های گذشته نیز نشان داده که بدون اصلاح ساختار تجارت خارجی، کنترل تورم و افزایش شفافیت، سیاست تک‌نرخی شدن ارز بیشتر به یک آرمان تبدیل می‌شود تا یک راه‌حل عملی.

تک‌نرخی شدن ارز در اقتصاد ایران، اگرچه از منظر نظری مطلوب است اما در عمل نیازمند پیش‌شرط‌هایی چون اصلاح ساختار واردات، تقویت صادرات غیرنفتی، کنترل تورم و هماهنگی کامل میان نهادهای سیاست‌گذار است، در غیر این صورت نه‌تنها به ثبات ارزی منجر نخواهد شد، بلکه می‌تواند ذخایر ارزی کشور را در معرض تهدید قرار دهد و بی‌ثباتی بیشتری را به بازار تحمیل کند.

تک‌نرخی کردن ارز در اقتصاد تورمی ایران هم وسوسه‌برانگیز است و هم پرریسک. این سیاست تنها زمانی به ثبات و حتی تمایل نزولی نرخ منجر می‌شود که مجموعه‌ای از پیش‌نیازهای واقعی (نه دستوری) مهیا باشد، در غیر این صورت، یکسان‌سازی یا به تخلیه ذخایر ارزی ختم می‌شود یا به بازگشت سریع چندنرخی بودن و بی‌اعتمادی. البته چندنرخی بودن، رانت و بی‌ثباتی می‌آورد و تک‌نرخی شدن، شفافیت و کارایی. اما در شرایط تورم مزمن، شکاف نرخ رسمی و بازار آزاد، محدودیت دسترسی به منابع ارزی و نااطمینانی ژئوپلیتیک، هر تلاش برای یکسان‌سازی اگر به جای بازار به «قیمت‌گذاری» متکی شود، پایداری ندارد و هزینه خروج سرمایه و افت ذخایر را بالا می‌برد. برای اجرای موفق سیاست تک‌نرخی، پیش‌نیازهایی ضروری‌اند:

نخست، چارچوب ارزی واقع‌بینانه باید مستقر شود؛ یعنی نخست سیستم «شناور مدیریت‌شده» با یک بازار واحد نقد و حواله، حذف نرخ‌های موازی و نزدیک کردن نرخ مرجع به نرخ تعادلی، نه تعیین دستوری پایین‌تر از بازار.

دوم، ظرفیت و ورودی پایدار ارزی باید تضمین شود. کف معقول ذخایر و جریان‌های ورودی قابل اتکا (نفتی و غیرنفتی)، به همراه دسترسی کافی به آنها، تا مداخله بازارساز به ارزپاشی فرسایشی تبدیل نشود.

سوم، هماهنگی مالی – پولی برای مهار تورم حیاتی است؛ کسری بودجه کنترل‌پذیر، انضباط در پایه پولی، عملیات بازار باز مؤثر و نرخ سود حقیقی غیرمنفی برای جلوگیری از دلاریزاسیون.

در کنار اینها، عمق‌بخشی به بازار ارز و عرضه صادراتی باید تقویت شود؛ پلتفرم واحد و شفاف برای واگذاری ارز صادراتی به واردکننده و قواعد بازگشت ارز پیش‌بینی‌پذیر و اجرایی با انعطاف برای صنایع مختلف، تا بازارهای سایه شکل نگیرد.

همچنین یکپارچگی سامانه‌ها و شفافیت تخصیص ارز ضروری است. اتصال کامل سامانه‌های ارزی، رهگیری جریان‌ها و انتشار داده‌های به‌موقع برای کاهش عدم‌قطعیت و بستن مسیر آربیتراژ. حذف نرخ‌های ترجیحی باید با یارانه کالایی/ نقدی هدفمند و محدود زمانی بر کالاهای حیاتی همراه شود تا شوک تورمی مهار شود. مدیریت انتظارات و ارتباطات سیاستی نیز باید تقویت شود. نقشه راه، دالان نوسان و ابزار مداخله از پیش اعلام و به‌روز شود، زیرا بازار از ابهام می‌ترسد، نه از قواعد روشن. اجرای سخت‌گیرانه قوانین ضدقاچاق و محدودیت موقعیت‌های سفته‌بازانه شبه‌مالی، همزمان با حذف رانت‌های ارزی نیز از ارکان موفقیت است.

در پاسخ به این پرسش که آیا تک‌نرخی شدن ارز در شرایط تورمی ممکن است، باید گفت بله! مشروط به واقع‌گرایی نرخ و سیستم معاملات. اگر نرخ واحد نزدیک به نرخ تعادلی بازار تعیین و در چارچوب شناور مدیریت‌شده اداره شود، امکان‌پذیر است. اگر تورم مهار نشود، اختلاف تورم داخل با خارج به طور سیستماتیک نرخ حقیقی را فرسایش می‌دهد و هر تک‌نرخی را در چند ماه دوباره چندنرخی می‌کند.

درباره اینکه آیا پس از تک‌نرخی، نرخ ارز باید میل به نزول داشته باشد، باید گفت تنها در صورت تحقق شروطی مانند تورم داخلی پایین‌تر از شرکای تجاری، ریسک حداکثر کشور نزولی، تراز پرداخت‌ها مثبت یا باثبات، بازده واقعی دارایی‌های ریالی مثبت و بهبود بهره‌وری و چشم‌انداز رشد، چنین انتظاری واقع‌بینانه است. بدون اینها، انتظار «میل به نزول» بیشتر آرزوست تا نتیجه سیاست.

■ ریسک خروج سرمایه وجود دارد؟

در سناریوی پرریسک که نرخ واحد «زیر» نرخ بازار اعلام شود، پیامد آن صف تقاضا، آربیتراژ، تخلیه ذخایر، بازگشت کنترل‌ها و تشدید بی‌اعتمادی خواهد بود و خروج سرمایه از کانال‌های رسمی/ غیررسمی محتمل‌تر می‌شود. در سناریوی قابل‌دفاع که نرخ واحد «نزدیک به بازار» با دالان شناور تعیین شود، پیامد آن کاهش رانت، افت انگیزه سفته‌بازی و کند شدن خروج سرمایه خواهد بود، هرچند شوک‌های ژئوپلیتیک/ تحریمی می‌تواند موقتاً فشار بیاورد. برای مهار خروج سرمایه، باید نرخ سود حقیقی غیرمنفی و پایدار باشد، ابزارهای پوشش ریسک ارزی (فوروارد، سلف، سوآپ) برای بنگاه‌ها فراهم شود، محدودیت موقعیت باز ارزی بانک‌ها اعمال و سهولت و شفافیت بازگشت ارز صادراتی در کنار مشوق‌های رفتاری، نه صرفاً تنبیهی، اجرا شود.

نقشه راه اجرایی نیز باید مرحله‌بندی مشروط داشته باشد: در مرحله اول (صفر تا ۳ ماه)، آماده‌سازی شامل اعلام سیستم شناور مدیریت‌شده و دالان نوسان، یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و شفاف‌سازی تخصیص و بسته ضدشوک تورمی هدفمند و زمان‌دار است.

در مرحله دوم (۳ تا ۶ ماه)، همگرایی نرخ‌ها با حذف تدریجی نرخ‌های ترجیحی/ موازی، تعمیق بازار عرضه صادراتی و تسهیل واگذاری مستقیم و عملیات بازار باز و مدیریت نقدینگی برای مهار تورم ماهانه انجام می‌شود.

در مرحله سوم (۶ تا ۱۲ ماه)، تثبیت بازار واحد نقد/ حواله و کاهش دامنه نوسان در صورت بهبود شاخص‌ها، گسترش ابزارهای پوشش ریسک و تقویت نظارت خرد احتیاطی و بازبینی دوره‌ای دالان نوسان بر مبنای داده‌های تراز پرداخت‌ها و تورم صورت می‌گیرد. شاخص‌های توقف یا ادامه مسیر شامل تورم ماهانه در مسیر نزولی، شکاف نرخ رسمی– آزاد ≤ ۲–۳ درصد، کف ذخایر معادل چند ماه واردات و عدم تعمیق شکاف در بازار موازی هستند.

در جمع‌بندی باید گفت تک‌نرخی کردن ارز، «اصلاح مدیریت بازار» است نه «دستور کاهش قیمت». اگر پیش‌نیازها فراهم و نرخ واحد نزدیک به نرخ تعادلی و ذیل شناور مدیریت‌شده تعیین شود، دستاوردش کاهش رانت، شفافیت و کاهش نوسان است و در صورت مهار تورم و افت ریسک، می‌تواند به «میل نزولی» نرخ منجر شود. اما اگر این سیاست با نرخ‌گذاری دستوری پایین‌تر از بازار و بدون پشتوانه ذخایر و هماهنگی مالی – پولی اجرا شود، ریسک خروج سرمایه و فرسایش ذخایر بالا می‌رود و سیاست ناگزیر عقب‌نشینی می‌کند. راه درست، همگرایی تدریجی، شفافیت و اجرای مشروط به شاخص‌های پایش است.

اخبار

مالیات ۷۰ درصد صاحبان مشاغل صفر شد

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور از ۷ گام مهم این سازمان همسو با سیاست دولت چهاردهم برای کمک به اقشار ضعیف‌تر و در راستای تحقق عدالت مالیاتی خبر داد.

سیدمحمدهادی سبحانیان در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی نوشت: با عنایت به سیاست دولت برای کمک به اقشار ضعیف‌تر و در راستای تحقق عدالت مالیاتی، اقدامات مهمی از سوی نظام مالیاتی برای مؤدیان برداشته شد که به شرح زیر است.

۱- معافیت مالیاتی حقوق‌بگیران و اصناف و مشاغل، به دو برابر سال قبل افزایش یافته است.

۲- مالیات ۱۰۰ درصد اصناف و مشاغل و بازاریان، به صورت سیستمی، مبتنی بر داده و بدون مداخله انسانی تعیین و مالیات ۹۵ درصد آنها بدون رسیدگی و ممیزی قطعی می‌شود.

۳- مالیات حدود ۹٫۳ میلیون نفر یعنی بیش از ۷۰ درصد صاحبان مشاغل، اصناف و بازاریان، صفر تعیین و به آنها از طریق پیامک اطلاع‌رسانی شده است. این دسته از مؤدیان نیاز به هیچ اقدامی از جمله مراجعه به ادارات مالیاتی یا کافی‌نت‌ها ندارند.

۴- مالیات حدود ۹۵ درصد اصناف، مشاغل و بازاریان کمتر از ۳۰ میلیون تومان برای عملکرد یک ساله ۱۴۰۳ انها تعیین شده است.

۵- حدود نیمی از مالیاتی که از حوزه اصناف، مشاغل و بازاریان دریافت می‌شود، صرفا از یک درصد پردرآمدترین آنها وصول می‌شود. این یعنی تمرکز مالیات‌ستانی بر دانه‌درشت‌هاست.

۶- در حال حاضر مالیات اصناف، مشاغل و بازاریان، حدود ۶ درصد از کل درآمدهای مالیاتی است.

۷- صاحبان مشاغل و اصناف می‌توانند محل مصرف مالیات خود را هنگام پرداخت مالیات تعیین کنند.

محموله توقیفی لوازم خانگی بوش به فروش رفت

طبق اعلام رسمی سازمان اموال تملیکی، بیش از ۹۵ درصد محموله توقیفی لوازم خانگی بوش به فروش رفته است.

پرونده لوازم خانگی وارداتی بوش در بندر شهید رجایی پس از سال‌ها تعیین‌تکلیف شد. این محموله شامل ۴۲۰ کانتینر لوازم خانگی بود که از اواخر دهه ۹۰ در بندرعباس متوقف شده بود. طی سال‌های گذشته چندین بار دستور فروش این اقلام که در اختیار سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی قرار داشت، صادر شد اما با ورود مراجع قضایی و دستور توقف دیوان عالی کشور، فرآیند فروش متوقف ماند.

با این حال، پس از صدور رأی نهایی دادگاه تجدیدنظر، عمده این محموله در قالب حراج‌ها و مزایده‌های سراسری سازمان به فروش رسید. احسان عسگری، رئیس سازمان اموال تملیکی، در گفت‌وگو با تسنیم اعلام کرد: «از ۴۲۰ کانتینر لوازم خانگی بوش، هم‌اکنون تنها ۱۷ کانتینر باقی مانده و بیش از ۹۵ درصد این محموله به فروش رفته است.

وی افزود: بخش عمده از ۱۷ کانتینر باقی‌مانده مرتبط با کالاهای برگشت خورده از حراج است. یعنی به دلیل ایراد فنی کالا یا مشکلات مربوط به نوع کالا امکان فروش نهایی را پیدا نکرده، اما فرآیند تعیین‌تکلیف آنها نیز در دستور کار سازمان قرار دارد. تعداد ۷ کانتینر نیز در استان کرمان قرار دارد. در همین خصوص یک گزارش نیز به دادستانی تهران ارائه شده است.

ناترازی برق به حدود ۱۵ هزار مگاوات کاهش یافت

ناترازی برق که تابستان ۱۴۰۳ به مرز ۲۰ هزار مگاوات رسیده بود، در تابستان امسال با اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف، به حدود ۱۵ هزار مگاوات کاهش یافت.

ناترازی برق که به معنای فاصله بین ظرفیت عملی تأمین برق و میزان تقاضای آن است، در تابستان ۱۴۰۳ به اوج خود رسید.

ناترازی برق که تابستان ۱۴۰۳ به مرز ۲۰ هزار مگاوات رسیده بود، در تابستان سال جاری با اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف، به حدود ۱۵ هزار مگاوات کاهش یافت.

اینفوگرافی که وزیر نیرو دیروز در صحن علنی مجلس شورای اسلامی ارائه کرد، از رسیدن ناترازی برق در تابستان امسال به ۱۴ هزار و ۹۱۹ مگاوات حکایت دارد.

کالاهای اساسی و دارو چقدر ارز گرفتند؟

حجم کل تامین ارز صورت گرفته (برای واردات) از ابتدای سال تا ابتدای هفته جاری به ۲۳ میلیارد و ۲۶۰ میلیون دلار رسیده که ۵۸۶۶ میلیون دلار آن برای تامین واردات کالاهای اساسی و دارو، ۱۷ میلیارد و ۲۴ میلیون دلار آن برای تامین واردات کالاهای تجاری و بازرگانی و ۳۶۵۳۷۰ میلیون دلار آن برای تامین ارز مورد نیاز بخش خدمات بوده است. بازار ارز تجاری مرکز مبادله ایران، دیروز شاهد معامله و قیمت‌گذاری حواله دلار با نرخ ۶۹ هزار و ۸۲۳ تومان، حواله یورو با نرخ ۸۱ هزار و ۶۹۶ تومان، حواله درهم با نرخ ۱۹ هزار و ۱۲ تومان، حواله یوان با نرخ ۹۷۸۵ تومان، حواله روبل با نرخ ۸۶۶ تومان، حواله وون کره‌جنوبی با نرخ ۵۰ هزار و ۱۰۸ تومان و هر ۱۰۰ واحد حواله ین ۴۷ هزار و ۴۰۷ تومان بود.

دیروز همچنین بازار ارز تجاری در بخش اسکناس، شاهد معامله اسکناس دلار با نرخ ۷۱ هزار و ۹۱۸ تومان، اسکناس یورو با نرخ ۸۴ هزار و ۱۴۷ تومان، اسکناس درهم با نرخ ۱۹ هزار و ۵۸۳ تومان، اسکناس یوان با نرخ ۱۰ هزار و ۷۸ تومان، اسکناس روبل با نرخ ۸۹۲ تومان، هر ۱۰۰ واحد اسکناس ین با نرخ ۴۸ هزار و ۸۲۹ تومان، وون کره‌جنوبی با نرخ ۵۱ هزار و ۶۱۱ تومان و هر ۱۰۰ واحد دینار عراق با نرخ ۵۴۹۳ تومان بود.

حجم کل معاملات بازار ارز تجاری در مرکز مبادله از ابتدای سال جاری تا ۲۲ مرداد به ۱۲ میلیارد دلار (۱۱ هزار و ۹۱۸ میلیون دلار) رسیده که شامل ۶۵۰۳ میلیون دلار، ۴۷۹ میلیون یورو، ۱۵ میلیارد و ۹۹۱۳۶۷ میلیون درهم، ۴۷۵۵ میلیون یوان و ۱۸۱۰ میلیون روبل می‌شود که میانگین معاملات روزانه در این بازار را به ۹۱ میلیون دلار می‌رساند.